

مناظرات حضرت رضا علیه السلام

مدتی است که مدیر مجله از این حقیرخواستہ اند شرحی بر مناظرات حضرت رضا علیه آلائف التحیه و الثناء بنگارم، از خدایتعالی استمداد نمودم وبخمدالله توفیق رفیقم گردید که از خود یادگاری در این گنجینه پرارزش بگذارم، لذا تا آنجا که امکان توان است بیانات معجزنمای حضرت را که طی مناظرات اعجاب‌انگیز آنجناب ایراد شده در این مبارک صحیفه انعکاس میدهم، پیش از ورود بمطلب چند مسئله را بعنوان مقدمه مورد بحث و بررسی قرار میدهم:

۱- سبب تشریف‌فرمائی حضرت رضاعلیه السلام بمر و پذیرفتن ولایت‌عهدی مامون و شرکت در مناظرات.

۲- آیا در دین اسلام برای جدل و مناظره دستوری رسیده و پسندیده است یا خیر؟

۳- تعریف فن مناظره و شناختن موضوع مسئله دلیل وضع در استدلال.

۴- مبادی مناظره و انواع مقدمات و منع در مناظره .

۵- نام اصطلاحی مجادلان، و وظیفه هر یک از سائل و مجیب در مناظره.

۶- بیان برخی از مواضع جدلی و نتیجه و فایده مناظره .

یک : احمدبن یعقوب (ابن واضح اخباری متوفای ۲۹۲) در تاریخ یعقوبی طبع نجف

جلد سوم ص ۱۷۶ گوید :

مامون حضرت رضا «ع» را بوسیله رجاء بن ضحاک که از خویشاوندان فضل‌بن سهل (ذواریاستین) بود از مدینه بمر و احضار نمود و همینکه خبر ورود حضرت بمر رسید، مردم مسرور و شادمان گردیدند و باستقبال مبادرت جستند حتی شخص مامون باستقبال شافت ، و آنچه لازمه تجلیل و احترام بود بجا آورد و وسائل پذیرائی و آسایش آن حضرت را فراهم ساخت، و در روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال ۲۰۱ هجری بولیعهدی خویش با حضرت بیعت نمود، و دستور داد نام آن حضرت را با تجلیل و دعا خطباء در منابر یاد کنند و بر

درهم و دینار بنامش سکه زدند و مردم لباس سیاه را بلباس سبز تبدیل نمایند، و قضایا را باطراف و اکتاف نویسند .

ابوجعفر محمدبن حریر متوفای ۳۱۰ هـ. در تاریخ طبری جلد هفتم ص ۱۳۹ گوید : مامون تمام عباسیان و غلوپان را مورد تفتیش و تامل قرار داد، هیچ کس را از حضرت علی بن موسی الرضا «ع» افضل و اعلم و اورع نیافت ، لذا ویرا در روز سهشنبه سوم رمضان سال ۲۰۱ هجری ولیعهد خویش خواند، و او را رضا لقب داد، و فرمان داد مردم لباس سیاه را ترك گفته، و لباس سبز بپوشند، و با حضرتش بیعت کنند .

مامون همیشه حضرت را گرامی میداشت، و در ظاهر از هیچ گونه لوازمی جهت تجلیل و تکریم آن بزرگوار کوتاهی نمیکرد، و مکرر مجلسی مرکب از علماء و دانشمندان هر فرقه و گروهی، بهمراهی امراء لشکری و کشوری تشکیل میداد، و حضرت را جهت مناظره با ایشان در آن مجلس دعوت مینمود و میگفت : برای اینکه مردم حضرتش را بشناسند این گونه مجالسی را تهیه مینمایم، ولی شاید قصد آزمایش یا تحقیر حضرت، و یا استفاده از مباحث علمی را داشته است.

چنانچه خواهد آمد حضرت خواه و ناخواه در آن مجالس شرکت نموده و با ارباب ملل مختلف مناظره و محاضره میفرمود، و آنان را مغلوب و منکوب میکرد.

دوم : در تفسیر حضرت عسکری علیه السلام مسطور است: روزی نزد حضرت صادق علیه السلام بحث از جدال بمیان آمد، بعضی گفتند حضرت رسول و ائمه اطهار از جدال نهی فرموده اند .

حضرت صادق فرمود : جدال بغیر احسن (بروش نازیبا) ممنوع شناخته شده است مگر فرمان حق تعالی را نشنیده اید که در کتابش فرمود: **ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن** (با اهل کتاب مناظره نکنید مگر بروش زیبا) و نیز فرموده است: **ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن** (مردم را بخوان بسوی راه عبادت پروردگارت بزبان حکمت و استدلال، و موعظه پسندیده، مناظره و جدل بروش نیکو را پیشوایان مربوط و مقرون بدین دانسته اند ، ولی جدل بروش نازیبا را خدایتعالی بر شیعیان ما حرام فرموده است. و چگونه میشود تمام اصناف جدل را خداوند حرام فرماید با آنکه در کتاب مجید جدل را مطالبه میفرماید: **قالوا لن یدخل الجنة الامن کسان هودا او نصاری ثلاث امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین .**

گفتند: باین رسوالله جدال بروش نیکو کدام و جدل ناپسند کدام است؟
حضرت فرمود: جدل ناپسند آنستکه با طرفدار باطل مجادله نمائی و او مطلب باطلی را اظهار کند، و تو آن مطلب را بدلیل درستی نقض و منع نمائی بلکه گفتار وی یا یک مقدمه درست او را انکار کنی بواسطه اینکه مبادامغلوب گردی، این نوع مجادله بر شیعیان ما حرام است، زیرا این عمل موجب تجری طرفداران باطل شده بلکه تو نیز مانند وی طرفدار باطل میباشی چون او یک حق را انکار کرده و تو حق دیگر را نپذیرفته و نیز سبب حیرت و سرگردانی ضعفاء شیعه خواهد شد، چون بسیاری از قضایای مشهور ظاهری، یا مسلمات شخصیه بر خلاف واقع میباشد، چنانکه گویند: رب شهرة لا اصل لها.

و اما جدل بروش نیکو و پسندیده آنستکه خدایتعالی به پیغمبرش دستور داد بآن روش یا منکرین بعث و انگیزش پس از مرگ (معاد) جدال نماید، چنانکه در کتاب کریم حکایت میفرماید: و ضرب لنا مثلا ونسی خلقه، قال من یحیی العظام وهی رمیم، قد یحییها الذی انشأها اول مرة و هو بکل خلق علیم، الذی جعل لکم من الشجر الا خضر نارا فاذا انتم منه توفون.

منکران معاد (بعث انگیزش پس از مرگ برای دریافت پاداش و کیفر) سه گروه اند.
۱ - کسانیکه زنده شدن پس از مرگ را استبعاد نموده گویند: استخوان پوسیده نرم شده چگونه زنده میشود؟

حقتعالی در جواب میفرماید: آنرا زنده میکند کسیکه اول مرتبه نه از چیزی آنها را آفریده است.

۲ - کسانیکه میگویند: اجزاء بدن انسان یا ماکول درندگان و یا خاک عمارات و بیابان میشود پس چگونه آن اجزاء شناخته شده و گردآوری و ترکیب میگردد؟
خدایتعالی در پاسخ میفرماید: آفریدگار بهر چیزی عالم و آگاه است و تمام ذرات را میشناسد پس میتواند آنها را گرد آورده و ترکیب نماید.

۳ - کسانیکه گویند: انسان پس از مرگ جماد است و چگونه از جماد حیوان پدید آمده یا جماد حیوان میگردد؟

پروردگار عزیز میفرماید: کردگار کسی است که از درخت سبز آتش سوزان بیرون میآورد، پس از جماد حیوان بر آوردن برای وی آسانست (یخرج الحي من الميت، و

یخرج المیت من الحی).

سه : تعریف جدل (مناظره) صنعتی است علمی که انسان بوسیله آن نیرومند میشود برای غلبه بر خصم از قضایای مشهوره و مسلمه دلیل بیاورد، بطوریکه نقض و منعی متوجه آن نشود .

این فن را روش سقراطی (طویقا) آداب الجدل، آداب المحاضره، خلاف، احتجاج و دیالکتیک نامند .

موضوع مناظره : هر مسئله ای که مورد جدل واقع شود موضوع آنرا موضوع مناظره خوانند مانند عالم هنگامیکه از قدم و حدود آن گفتگو کنند .

مسئله مناظره : هر قضیه ای که سائل عین آن یا مقابله را با حرف استفهام سؤال نماید آنرا باین اعتبار مسئله جدلی، و پس از تسلیم مجیب باعتبار اینکه جزء قیاس است مقدمه جدلی، و از جهت اینکه نتیجه استدلال است وضع در مناظره گویند .

وضع در مناظره عبارتست از رای و اعتقادیکه طرفین بآن ملتزم باشند، و آن در نتیجه جدل یافت میشود. دلیل در لغت بمعنای مرشد و راهنما و در اصطلاح چیز را گویند که از علم بآن علم بچیز دیگری که آنرا مدلول خوانند حاصل گردد، و اماره در لغت علامت و نشانه را گویند، و در اصطلاح دلیل ظنی را چه در ذهن پدید آید و چه در خارج اماره نامند، چون مقدماتیکه در استدلال بکار برده میشود .

چهار : مبادی مناظره — مبادی جمع مبدء بمعنای مقدمه است، و از چند جهت مورد تقسیم واقع میشود .

تقسیم اول مقدمه از جهت اینکه مقوم و جزء مطلوب باشد یا نه بر دو گونه است :

الف مقدمه داخلی که آن را جزء رکن (شطر) گویند، مانند اجزاء نست بمعجون.

ب مقدمه خارجی و آن دارای هشت بخش می باشد :

۱ — علت ناقصه، مانند سبب، مقتضی برای وجود معلول، چون آتش برای گرم شدن .

۲ — عدم المانع، مانند بسته بودن در و پنجره اطاق برای گرم شدن آن.

۳ — آلت، مانند وجود قلم و مرکب برای نویسنده .

۴ — معاون مانند بکار بردن وسیله میکانیکی در روشن کردن اتومبیلها که احتیاج بآن دارد

۵ — داعی مانند قصد مسافرت در روشن کردن اتومبیل.

- ۶ - معد مانند ترتیب دادن مقدماتی برای دریافتن نتیجه .
- ۷ - شرط مانند ساختن دارو و معجون بشرط چینی بودن ظرف آن .
- ۸ - وقت مانند فصل بهار برای رویانیدن گیاه .
- ۹ - وجود موضوع مانند وجود خانه برای نقاشی و رنگ آمیزی .
- ۱۰ - قابلیت تاثیر داشتن موضوع مانند نرم بودن زمین برای زراعت .
- تقسیم دوم : مبادی از حیث اختصاص و اشتراك بردو گونه است .
- الف : مبادی عامه، مانند حیوان و جسمیت نسبت بانسان .
- ب - مبادی خاصه از جهت دارا بودن حکم و عدم آن بردو بخش است .
- الف: مبادی تصویری، مانند : جسم جوهریست که ممکن است در آن ابعاد سه گانه را فرض نمود .
- ب : مبادی تصدیقیه، مانند : جسم دارای ابعاد است و هرچه دارای ابعاد باشد متغییر است .
- تقسیم چهارم : مقدمه از حیث پذیرفتن و انکار شنوندگان بر سه نوع است :
- الف : آنکه نزد همه مردم انکار و یا پذیرش آن مورد قبول باشد، و آنرا علوم متعارفی گویند .
- ب - آنکه شنونده بواسطه اینکه درجائی درستی آن ثابت شده آنها را میپذیرد، و اصول موضوعی خوانده میشوند .
- ج - آنکه شنونده آنرا با انکار و عناد می شنود، و آنرا مصادره بر مطلوب نامند .
- تقسیم پنجم : مقدمه از جهت واقع شدن در صناعات خمس دارای ضعف میباشد .
- ۱- یقینات قضایائی هستند که احتمال خلاف ندارد و دربرهان بکار برده میشود .
- ۲ - مشهورات قضایائی را گویند که در میان مردم شهرت بسزائی داشته باشند و آن خود بر سه گونه است :
- مشهور حقیقی که در مناظره و مشهور ظاهری که در خطابه و شبیه بمشهور که در مغالطه بکار برده میشود :
- ۳ - مسلمات قضایائی را خوانند که در صناعت جدل و مناظره بکار میشوند و آن نیز بر سه گونه میباشد :

مسلمات عامه، مسلمات خاصه، (اهل اصطلاح یا شهری) مسلمات شخصی .

۴ - ظنیات قضایائی را نامند که دارای تصدیق راجح غیرجزمی باشد و در خطابه واقع میگرددند

۵ - مقبولات قضایائی میباشد که از پیشوایان دین با اکابر علمی رسیده باشند و در خطابه بکار برده میشود .

۶ - تقریرات قضایائی هستند که دارای حکم راجح و پذیرفته میباشد و در خطابه استعمال میشود

۷ - محاکمات قضایائی را گویند که چیزی را ساده یا با توصیف بزشتی یا زیبایی بیان کند و آنها در شعر بکار برده میشود .

۸ - تخیلیات قضایائی را نامند که چون گفته شود در نفس تاثیر شگفت آوری چون بخود فرورفتن یا بخود جنیبیدن داشته باشد و شنونده را بچیزی رغبت داده یا از چیزی متنفر سازد و در شعر استعمال میشود .

۹ - و همیات قضایائی را دانند که حقیقت و واقعیتی ندارند ولی نفس آنها را با حقیقت می پندارد چنانکه حکم مادیات را بر مجردات حمل مینمایند، و در صناعت مغالطه بکار برده میشود

۱۰ - شبهات قضایائی را خوانند که بقضای یقینی یا مشهودی شباهت داشته، ولی باطل و ناروا باشند و در مغالطه استعمال میشود منع در مناظره عبارتست از جلوگیری کردن از مقدمه دلیل طرف مقابل و آن بر پنج گونه است:

۱ - منع مجرد (نقض) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه خصم با دلیل آوردن بر رد آن .

۲ - منع باسند (مناقضه) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه خصم با دلیل آوردن بر رد آن .

۳ - منع با تعرض (غضب) عبارتست از نپذیرفتن مقدمه ورد نمودن اصل دلیل .

این سه بخش منع پیش از تمام شدن دلیل طرف مقابل آورده میشود .

۴ - منع انکار (نقض اجمالی) عبارتست از نپذیرفتن حکم باین روش که سائل بگوید :

این حکم بی دلیل است .

۵ - منع بادلیل (معارضه) نقض تفصیلی آنستکه سائل دلیل طرف را بپذیرد ولی دلیل دیگری

که با دلیل مجیب منافات داشته باشد بیاورد تا عقیدت وی را باطل کند .

تبصره : در مناظره روایت است که خصم را منع کنند از دلیل آوردن، بلکه تنها

مقدمات دلیل وی را میتوان ابطال نمود و چنانچه کسی اصل دلیل طرف را منع کند مکابره

نامیده میشود .

پنج : همیشه جدل و مناظره میان دونفر یا بیشتر یافت میشود که یکی از آن دو میخواهد

رای خود را حفظ و اثبات کند، و دیگری میخواهد عقیدت (وضع - رای) ویرا ابطال، و او را الزام نماید، در این فن شخص اول را مجیب، و شخص دوم را سائل نامند.

وظائف سائل : شخص سائل که میخواهد رای و عقیدت مجیب را ابطال نماید باید چهار امر را رعایت کند :

- ۱ - انتخاب موضعی از مواضع جدلی تا مقدمه دلیل خود را از آن تحصیل نماید .
- ۲ - یافتن روش اثبات مقدمه و سرزنش نمودن منکر آنرا .
- ۳ - تصریح کردن بمطلوب و نقض نمودن آن چنانکه با مخاطبی سخن گوید :
- ۴ - بر سائل ورزیده لازم است که پرسش و دلیل وی از مقدمات مشهوریکه همه کس آنرا بپذیرد درك شود .

وظائف مجیب : شخص مجیب که میخواهد رای و عقیدت خود را حفظ کند، و بر دشمن چیره گردد، ویا برای تعلیم و تمرین سخنان جدلی را بکار میبرد، باید سه چیز را رعایت کند .

- ۱ - هرگاه وی از مشهورات باشد، نباید مقدمات مشهوره سائل را منع کند چه در مقام الزام باشد یا در مقام رفع و منع دلیل مجیب
- ۲ - چنانچه عقیده اش با مشهور باشد، نباید مقدمات مشهوره سائل را منع نماید، مانند اینکه بگوید : خیر و شر و علم و جهل را متقابلان نمیدانم .
- ۳ - اگر عقیده مجیب نه مشهور باشد و نه ناپسند، باید مقدمات مشهوره و ناپسند سائل را بپذیرد تا از مشهورات قیاسی بر رداو ترکیب کند و بواسطه مقدمات ناپسند ویرا الزام نماید .

وظایف مشترك بين سائل و مجیب : کسیکه میخواهد در صناعت مناظره نیز و مند گردد باید پس از تحصیل ادوات جدلی، در استنباط قیاسات بسیار از يك قیاس کوشش نماید، و نیز باید بتواند برای يك مطلوب از چند موضوع جهات بسیار بیاورد، و باید سائل هرچه بتواند حکم را کلی و عمومی تر بیان کند .

ولی مجیب در تخصیص و جزئی بودن آن حکم باید کوشش داشته باشد تا اگر یکی از احکام مردود گردید بتواند بدیگری تمسک جوید، مقاومت و معارضه وظیفه مجیب است ، و نقض و منع و مطالبه وظیفه سائل میباشد .

شش : موضع در مناظره حکمی منفردی را گویند که ممکن باشد احکام بسیاری از آن

منشعب گردد و هر يك از آن احكام شايسته باشد مقدمه قیاس جدلی واقع شوند، چنانکه گوئی : هرگاه یکی از دو حکمی که ضد یکدیگرند، در موضوعی یافت شود، موضوع دیگری در ضد آن موضوع موجود خواهد بود، مثل احسان با دوستان و اسانت با دشمنان چون بنای قیاس جدلی بر پرسش و نقض میباشد پس بر دانشمندان جدلی لازم است که اصناف مواضع را بشناسند، تا در هنگام لزوم از جزئیات آنها استفاده نماید، ما اصناف مواضع را در رساله فن مناظره مفصلاً در ضمن هشت باب نگاشته ایم، و اکنون فهرست آنها را از نظر خوانندگان محترم میگذرانیم :

- ۱- مواضع اثبات و ابطال، و آن خود دارای بیست فصل میباشد .
- ۲- مواضع اولی و اثر و بخشهای مشهور آن بیست و دو فصل میباشد .
- ۳- مواضع جنس و انواع آن دارای چهل فصل است .
- ۴- مواضع فصل و اقسام آن و ما چهار فصل آنها نوشته ایم .
- ۵- مواضع حدود اسمی و حقیقی و آن دارای شش فصل میباشد .
- ۶- مواضع اعراض عامه .
- ۷- مواضع خاصه و ما بیست و چهار فصل آنها بیان کرده ایم .
- ۸- مواضع هوهو (حمل و انواع آن) و دارای چهار فصل است .
فائده (نتیجه - غرض) مناظره جدل را برای پنج منظور بکار میبرند .
- ۱- الزام و افهام دشمن باین روش که عقیدت وی را بیرسند و بعد از آنها قیاس یا استقراء یا تمثیلی ترکیب کنند، تا بتوانند عقیدت خصم را ابطال کرده و او را مغلوب نمایند .
- ۲- اقتناع کسیکه در اثر کند فهمی برهان قانع نمیشود، ولی قضایای مشهوره و مسلمه را میپذیرد .
- ۳- بواسطه ممارست در این فن انسان میتواند هر مطلوبی را اثبات یا ابطال نماید .
- ۴- چون شناسائی هر چیزی با مشارکات و اضداد آن موجب زیادی بصیرت میگردد، پس تمرین در ماده و صورت قیاسهای جدلی برای برهان نیز نافع میباشد .
- ۵- موضوع فن مناظره قضایای مشهوره و مسلمه را، چه علمی باشند یا غیر علمی بشما میشناساند .